

معرفی کتاب «تنهاترین عاشق، عاشق‌ترین تنها»

## اولین سلامی که در اسلام گفته شد

۲۶ دی ۱۳۹۳ ساعت ۱۴:۵۳

«تنهاترین عاشق، عاشق‌ترین تنها» درباره ابوذری است با متنی که هم می‌خواهد راوی تاریخ باشد و هم دست‌پری در تصویرسازی و شاعرانگی به مخاطب خود نشان دهد.

«تنهاترین عاشق، عاشق‌ترین تنها» یعنی جدیدترین کتاب نصرالله قادری که کتاب نیستان آن را به بازار کتاب رسانده است، دومین کتاب از چهارگانه این نویسنده و نمایشنامه‌نویس درباره صحابی خاص پیامبر است که قرار است درباره سلمان، ابوذری، بلال و مقداد نوشته شود.

قادری با انتشار این کتاب و «ناله‌های عشق» سعی کرده است سلمان و ابوذری را بیش از پیش به مخاطبان معرفی کند. مخاطبانی که خیلی کم از اصحاب پیامبر می‌دانند اما زیاد اسمشان را شنیده‌اند و می‌دانند این یاران باوفای حضرت نقش بسیار تاثیرگذاری در شکوفایی اسلام داشته‌اند.

«تنهاترین عاشق، عاشق‌ترین تنها» درباره ابوذری است با متنی که هم می‌خواهد راوی تاریخ باشد و هم دست‌پری در تصویرسازی و شاعرانگی به مخاطب خود نشان دهد.

ماجرای زندان شروع می‌شود. زندانی که راوی ماجرا در آن به سر می‌برد و او کاتب است و احتمالاً در روزهای آخر زندگی خود. اسیر دست‌حاکم وقت است و قرار است نگذارد حقیقت فراموش شود. او می‌نویسد و با روحی فراخ‌سفری را نزدیک به مرگ تجربه می‌کند. او همراه ابوذری می‌شود تا معنی آن آوازی که در سرش مرور می‌شود و «ابو، ابی، ابو، ابی» را تکرار می‌کند بفهمد. او می‌خواهد بداند ابوذری یعنی چه. طناب دار برگردن راوی است اما انگار از پنجره مخوف زندان می‌گذرد و به اباذر می‌رسد که در بیابان همراه ام‌ذر همسرش در لحظات آخر زندگی به سر می‌برد و منتظر پیشگویی پیامبر درباره وفاتش است با جماعتی که در قرار است در یک بیابان از راه برسند و بدن او را تنها نگذارند.

بعد این ماجرا، روایت دچار برش‌هایی می‌شود و راوی سفرش را با سرک کشیدن به دیگر مراحل زندگی ابوذری ادامه می‌دهد. او همراه ابوذری به ریزه می‌روند تا روزی را که قرار است پسرکی متولد شود، از نزدیک ببینند. پسرکی که پیامبر خدا بعدها درباره او گفت: آسمان بر سر مردی راستگوتر از ابوذری سایه نیفکنده و زمین راستگوتر از او بر پشت خود نداشته است.

بعد این پسرک نرم نرمک بزرگ می‌شود در همین حین وقتی راوی ماجرای را تعریف می‌کند، فرصتی است که ماجراهای دیگر اشاره کند. از کربلا بگوید و از مولا علی(ع) و تثنی با جگرهای لخته شده حسن(ع) و روایت‌هایی که این مرد صادق و نیکو از پیامبر و امام اول شیعیان نقل کرده است، به تناسب در میان نقل داستان زندگی یک عاشق تنها بیاید.

این کتاب در ۱۹ فصل نوشته شده است تا چیزی در روایت زندگی ابوذر کم نگذارد. آن مرد در باران آمد، اولین سلامی که در اسلام گفته شد، کشتی در اقیانوس نور، افسون بودگاری!، صدای بال هزار هزار فرشته می‌آید، اشک زن‌ها را لمس نکنید!، بعضی مرگ‌ها فقط یک نقطه کوچکنند، همین! من می‌خواهم او زنده بمیرد!، آن مرد با استخوان شتر در دست آمد و او جانشین همه نداشتن‌ها است، عنوان تعدادی از فصل‌های این کتاب است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۳۸۴/اولین-سلام-میرا>